

(معرفی يك كتاب مهم خطی)

کتاب و نسخ خطی بسیاری در کتابخانه های دنیا موجود است که اغلب آنها بطبع نرسیده و در مخازن کتابخانه ها روپوشه انباشته شده نام و نشانی از آنها در بین نیست حتی نام بسیاری از آن کتابها و اسم مؤلف و موضوع آنها نادانسته و نشنیده ایم چیزی که از نظرها مخفی و نام و نشانی از آن ظاهر نیست از کجا میتوان بوجود آن پی برد فی الواقع بمنزله دینه و خزینه ایست که از نظرها پنهان است نگارنده گاهی در صفحات نشریه دانشکده ادبیات تبریز ازین قبیل کتب خطی گمنام و نسخ نایاب آنچه مقدر میشود و بدست میآید معرفی میکنم تا دستانداران و علاقمندان بکتاب از وجود آن آثار مطلع و از کم و کیف آنها آگاه باشند بفقیده نگارنده معرفی کتب خطی نادرالوجود از اهم فرائض است و لازم است از طرف دولت و یا وزارت فرهنگ بودجه کافی برای طبع و نشر این قبیل کتب خطی مهم و نسخ نادرالوجود معین شده و بتدریج ازین قبیل کتب فیلم برداری و طبع و نشر شود اکنون که علم عکاسی و فیلم برداری بمدارج عالی ترقی رسیده با مخارج بسیار ناچیز ممکن است از نسخه های مهم خطی که در کتابخانه های داخله و خارجه موجود است فیلم برداری شود و این طریقه فیلم برداری بقدری کار استنساخ را سهل و آسان نموده که دیگر احتیاج نیست بکنفر مدتها وقت خود را تلف کرده و چشم خود را در راه استنساخ يك كتاب مفصل خطی ضعیف و یا بیمار نماید اکنون ممکن است با طریق فیلم برداری يك كتابخانه بسیار بزرگی را در يك جعبه کوچکی جای داده و بسهولت از محلی به محل دیگر انتقال داد در اینصورت منتهای بی انصافی و بی کفایتی است که در این راه قدمی برنداشته و استفاده لازمه را نکرده باشیم اروپائیا در اینخصوص اقدامات جدی و مؤثری نموده و استفاده های شایانی کرده اند مناسب این حال حضرت مولوی فرموده است

هفت شهر عشق را عطار گشت
 یکی از کتب بسیار مهم خطی کتاب (روضات الجنان) است که ظاهراً فقط دو
 نسخه از آن در دنیا موجود است یکی در کتابخانه آستانه قدس رضوی و دیگری
 در تصرف نکارنده است در شهریور ماه ۱۳۳۳ شمسی در موقع تشریف بزیارت
 حضرت ثامن الائمه سلام الله علیه بکتابخانه آستانه قدس رضوی رفته و آن کتاب را که
 سابقاً از وجود آن مطلع بودم بمنظور اینکه بفهمم نسخه آستانه کاملتر است یا نسخه
 بنده برای مطالعه خواستم و پس از ملاحظه معلوم شد که هر دو نسخه یکی است و
 احتمال دادم نسخه بنده از روی نسخه آستانه استنساخ شده زیرا که خط و کتابت آن
 نسبتاً قدیمتر و صفحات آن جدول کاری شده است

نسخه آستانه تاریخ تحریر ندارد و محتمل است که در همان عصر مؤلف
 نوشته شده نسخه این جانب در تاریخ سنه ۱۳۰۶ هجری قمری استنساخ شده يك
 نقص بزرگی که نسخه آستانه دارد این است که از اول کتاب در حدود سه صفحه
 سقط شده و قتیکه توسط دانشمند محترم آقای او کتائی رئیس کتابخانه آستانه آن
 نسخه را ملاحظه می کردم و از سقط چند صفحه از اول کتاب صحبت شد نهایت
 تأسف نموده و فرمودند که نسخه دیگری پیدا نیست تا قسمت سقط شده را استنساخ
 کنیم عرض کردم پیش بنده يك نسخه ازین کتاب هست بسیار مشعوف شدند و بدون
 اینکه از بنده تقاضا نمایند عرض کردم پس از مراجعت به تبریز آن سه صفحه سقط
 شده را از روی نسخه خودم نوشته ارسال خدمت میدارم بسیار خوشوقت شدند و بنده
 پس از مراجعت چنانچه قول داده بودم آن سه صفحه را نوشته بکتابخانه آستانه
 قدس رضوی فرستادم و آقای او کتائی رسید آنرا نوشته و از خدمت ناچیز بنده تشکر
 فرمودند این کتاب که موسوم به (روضات الجنان) است ۸۰۵ صفحه است بقطع نیم
 ورقی که بخط ریز نوشته شده ابعاد آن طولاً ۳۴ و عرضاً ۲۱ سانتیمتر است تاریخچه
 مفصل و مشروحی است از مزارات تبریز و نواحی آن و شرح حال و زندگانی جمعی
 کثیری از مدفونین صحابه و امامزادگان و بعضی از علما و شعرا و بالخصوص عرفا و
 محل مزار آنها که در خاک تبریز و نواحی آن سر بنخاک تیره فرو برده اند این کتاب

فی الواقع بمنزله تذکره ایست از طبقات اولیا و عرفا و شعرا و سایر رجال و اشخاص برگزیده که در این شهر و اطراف آن مدفونند مؤلف در تألیف این کتاب زحمت بسیاری کشیده که شرح حال قریب به سیصد نفر از اولیا و شعرا و عرفا را با شرح بسط مفصلی ذکر نموده و از قرار معلوم مؤلف غیر از این کتاب تألیفات دیگری نیز دارد که شرح آنها را در آخر مقاله خواهیم نگاشت ذیلاً بعضی خصوصیات و مزایای این کتاب را نوشته و سپس بشرح حال مؤلف می پردازیم.

مؤلف این کتاب را به یک مقدمه و هشت روضه و یک خاتمه تقسیم نموده که شرح آنها قرار ذیل است.

مقدمه در ذکر طریق و قاعده زیارت قبور مؤمنین و مؤمنات (روضه اول)
 در ذکر مقابر و مشاهد بعضی از اصحاب سید المرسلین و بعضی از تابعین رضوان الله علیهم اجمعین که در تبریز و حوالی آن واقعست (روضه دوم) در ذکر مقابر و مزارات عرفا و شعرا و اولیائیکه در مزارستان سرخاب واقعست (روضه سوم) در ذکر اولیائیکه در مزارستان کجیل واقعست (روضه چهارم) در ذکر اولیا و شعرا و عرفائیکه در گورستان چرنداب واقعست (روضه پنجم) در ذکر اولیا و عرفا و امامزادگان و شعرائیکه در جاهای مختلف شهر تبریز واقعست (روضه ششم) در ذکر مزارات و مقابری که در نواحی و حوالی شهر تبریز واقعست (روضه هفتم)
 شرح احوال امیر بدرالملک و الدین سید احمد الحسینی اللاله (روضه هشتم) در ذکر اقطاب سلسله ذهبیه که سید احمد لاله منسوب باین سلسله بوده است مفصلاً شرح داده (خاتمه) در بیان معنی نبی و رسول و نبوت و ولی و مرشد و ولایت و آنچه تعلق بمعانی اینها دارد بدلیل کتاب و حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله.

(شرح حال مؤلف روضات الجنان)

نام مؤلف (درویش حسین کربلائی) معروف است بعضی از مورخین او را (حافظ

حسین کربلائی القزوینی اوالتبریزی (نوشته‌اند خود مؤلف در صفحه ۵۲۷ در شرح حال یکی از اولیا نام خود را چنین نوشته (و همچنین راقم حروف خالک قدیم درویشان حسین الحافظ الکربلائی) بشرف مصافحه و سماع حدیث آن مشرفی شدم) مؤلف کتاب خلاصه الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر در دو جلد بنام درویش حسین اشاره کرده اول در صفحه ۵۲ جزء ثانی در ضمن ترجمه حال شیخ حسن بوریجی چنین نوشته (و لما ورد دمشق الحافظ الحسین التبریزی المعروف بابن الکربلائی فی حدود سنة ثمان و ثمانین و تسعمائه صحبه و تعلم منه اللغة الفارسیة حتی صار یتکلم بها کانه اعجمی ثم تعلم فی اخر حاله التریکیه و کان فی الفارسیه ابرح و نظم و نثر) دوم در صفحه ۴۴۳ جزء ثالث در همان کتاب در شرح حال شیخ بهائی علیه الرحمه چنین نوشته (لما ورد دمشق نزل محلة الخراب عند بعض تجارها الیکبار واجتمع به الحافظ الکربلائی القزوینی اوالتبریزی نزیل دمشق صاحب الروضات الذی صنفه فی مزارات تبریز واستنشد شیئاً من شعره) از تاریخ تولد و سایر احوال زندگانی مؤلف اطلاعات بسیطی در دست نیست لیکن آنچه معلوم و روشن است مؤلف مسافرت‌های زیادی کرده از جمله چندین سال در دمشق اقامت و سکونت داشته و زیارت حج رفته و با شیخ بهائی مرحوم در دمشق و در مکه ملاقات کرده و با شیخ حسن بوریجی که از فضلا و علمای آن عصر است ملاقات نموده و شیخ نامبرده زبان فارسی از او یاد گرفته و تا سال نهصد و نود چهار در دمشق بر حیات بوده و بروایت علامه شهیر آیه الله آقای سید شهاب الدین مرعشی ساکن قم که در پشت ورق اول کتاب شرحی راجع به زندگانی و تألیفات مؤلف نوشته و ما ذیلا جهة مزید اطلاع قارئین محترم آن قسمت را نیز خواهیم نگاشت مؤلف در سال نهصد و نود چهار در دمشق وفات نموده و در دامنه جبل معروف (قاسیون) مدفون است رحمه الله علیه حضرت آیه الله آقای سید شهاب الدین مرعشی در پشت ورق اول کتاب متعلق به این جانب چنین نوشته (مخفی نماند آنکه قبر (حافظ حسین) در دامنه جبل قاسیون دمشق میباشد وفات او بنا بر آنچه در مجموعه بخط مرحوم والدهست سنه ۹۹۴ واقع شده و او را تألیفات بسیاری است از جمله کتاب (مزارات الشام) و (سفرنامه حجاز) و (مثنوی تفسیر قرآن) بمذاق عرفا که

تمام نشده اعقاب او خانواده هستند در شام غالباً در محله خراب ساکن هستند و او را
 مشایخ و اساتیدی بوده در حدیث و طریقت و سائر علوم و سنین عدیده حقیر مشتاق
 بودم که این کتاب را زیارت کنم که بحمدالله تعالی موفق شدم بمطالعه آن من البدوالی
 الختم و الحق تألیف بسیار بسیار نفیسی است و مشحون بفوائد و السلام خیر ختام
 شهاب الدین الحسینی النجفی المرعشی (۱۳۶۷) و ایضاً شرح حال مؤلف روضات الجنان
 در صفحه ۱۲۵ جلد ششم ریحانة الادب تألیف فقید سعید علامه شهیر میرزا محمد علی
 مدرس خیابانی مفصلاً مسطور است که خلف ارجمند و فاضل دانشمند آن مرحوم آقای
 علی اصغر مدرس مشغول طبع آن هستند و عنقریب آن کالای سودمند و پر ارزش در
 بازار علم و ادب بمعرض استفاده عموم خواهد رسید و در ذیل همان صفحه در تعریف
 و اهمیت همین کتاب (روضات الجنان) در تعقیب شرحی که مرحوم والدشان نوشته
 شرح مبسوطی نکارش فرموده اند و بقارئین محترم تذکر داده میشود که از مطالعه
 آن کتاب غفلت نفرمایند بالجمله مؤلف کتاب خطاط نیز بوده و از شاگردان علاء الدین
 محمد خطاط میباشد در ضمن شرح حال خواجه عبدالله صیرفی صفحه ۲۵۴ مینویسد
 جناب مولانا علاء الدین محمد تبریزی (۱) که درین زمانه از خوشنویسان روزگار است
 و پایه خط وی بر کرسی نشسته که دست هیچکس به آن نمیرسد و این کمینه نیز اندک کلاغ
 پای که بر صفحه بیاض ثبت و مرقوم میسازد بیمن عاطفت مرحوم مشارالیه است که در سنه
 سبع و خمسین و تسعمائه وفات یافته مؤلف این کتاب را در زمان شاه طهماسب اول صفوی
 تألیف و در سال ۹۷۵ ختم کرده و در آخر کتاب این قطعه را که یکی از دوستان
 مؤلف در تاریخ اتمام آن گفته درج نموده است .

(۱) علاء الدین محمد تبریزی از استادان خط ثلث و تلمیذ ملا شمس الدین محمد
 تبریزی است سنگ مرمر رؤیای شاه طهماسب اول را که در داخل مسجد جامع تبریز میباشد او
 نوشته است .

بحمدالله که این سر بسته اسرار
 بصورت هر که بکره دید دروی
 درو از روی معنی گر نظر کرد
 تمام از فیض ارباب وفا شد
 اگر بیگانه بود او آشنا شد
 درونش مخزن سر خدا شد

چو پرسیدم ز تاریخش خرد گفت

(زیارات قبور اولیا) شد

۹۷۵

